



۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران b.shahriary1986@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه ژئوپلیتیک، دانشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

۳. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

خوانشی از رابطه تاریخ و اطلاعات؛ جایگاه مطالعات تاریخی در فرایند شناختی نهادهای اطلاعاتی

بهادر شهرياری^۱ | بهزاد قاسمی^۲ | روح الله غلامی^{۳*}

چکیده

مقاله پیش‌رو، در نظر دارد متناسب با نقش شناختی سازمان‌های اطلاعاتی، تاثیر تاریخ(داده‌ها و اطلاعات تاریخی) را بر آن نهاد بررسی نماید. در «تاریخ» تحولات جوامع انسانی، ظرفیت‌های اطلاعاتی و آگاهی‌بخشی نهفته است که می‌تواند تاثیر گسترده‌ای در پیشبرد وظایف نهادهای اطلاعاتی برجای گذارد. این دو از جنبه‌های مختلفی در پیوند با یکدیگر قرار می‌گیرند. براین اساس، سوال مقاله بر تبیین تاثیر تاریخ بر نهادهای اطلاعاتی متمرکز گردیده و با روش تحلیلی و توصیفی به بررسی آن پرداخته است. یافته‌های مقاله حکایت از آن دارد به اقتضای تحولات عصر جدید، که توانایی بر محور دانایی و آگاهی جریان دارد، نقش شناختی، اصلی‌ترین عامل در شکوفایی ظرفیت نهادهای اطلاعاتی است. به میزان تسهیل، تامین و تحقق نقش شناختی، توانمندی و نقش‌آفرینی پایدار دستگاه‌های مزبور حاصل می‌گردد. تاریخ؛ گذشته‌زنده، با انبوه اطلاعات و تجارب، از مهمترین عوامل در تامین نقش شناختی نهادهای اطلاعاتی می‌باشد. بدین خاطر، تاریخ را می‌بایست از منابع اطلاعات برتر به حساب آورد. توجه به آن، از مهمترین عواملی است که زمینه دستیابی به برتری اطلاعاتی و اشرافیت همه‌جانبه را فراهم می‌آورد. کسب اطلاعات تاریخی و شناخت گذشته کمک می‌کند نیروها و نهادهای اطلاعاتی در فرآیند سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی، در خلاء عمل نمایند. لذا رجوع روشمند به گذشته و استفاده آگاهانه از تاریخ، دستاوردها و رهیافت‌های ارزشمندی برای دستگاه‌های مزبور فراهم می‌آورد که در صورت فرودگاری، خلاء آن را هیچ عاملی دیگری جبران نمی‌نماید.

کلیدواژه‌ها: اطلاعات، تاریخ، نهادهای اطلاعاتی، نقش شناختی

مقدمه

تاریخ از جمله دانش‌هایی به حساب می‌آید که بر «شناخت تحولات گذشته جوامع انسانی» تمرکز دارد. این مهم چنانچه توسط متخصصین ژبده و به صورت روشمند و هدفمند، با رعایت چارچوب‌های علمی تاریخ‌نگارانه، انجام پذیرد اطلاعات و آگاهی‌های معناداری تولید خواهد کرد که با مسائل و تحولات جاری جامعه مرتبط خواهد بود. همچنین از لایه‌های رخدادهای گذشته و فرازونشیب‌های تاریخی، تجارب ارزشمندی برای مسائل و مناسبات امروزی جوامع حاصل خواهد شد. از تاریخ، با عنوان «ابزاری برای مشاهده دقیق‌تر جهان پیرامون»، یاد می‌شود. انبوه اطلاعات ارزشمندی در بطن تاریخ نهفته است که آگاهی از آنها و استخراج اطلاعات مورد نیاز، در حوزه‌های اطلاعاتی و امنیتی، راهبردی و راهگشا خواهد بود. اطلاعات و آگاهی‌های تاریخی، قادر است رهیافت‌های جدیدی جهت کاربست دقیق‌تر و کارآمدتر کارویژه‌های سازمان‌های اطلاعاتی فراهم آورد. لذا با توجه به موضوع و ماهیت تاریخ، آن را می‌توان از مهمترین منابع اطلاعاتی و کسب شناخت به حساب آورد.

نکته بعد، به نهادها و دستگاه‌های اطلاعاتی مربوط می‌باشد که از بخش‌های مهم در هر ساختار دولتی به حساب می‌آیند. نهادهای اطلاعاتی به هیچ وجه پدیده‌ای نوظهور نبوده و از قدیم‌الایام تاکنون، تاثیرگذاری بنیادین و راهبردی داشته‌اند. متناسب با رسالت و فلسفه وجودی دستگاه‌های اطلاعاتی و با عبور از نگرش سنتی به اطلاعات، نهادهای مذکور از توانایی‌های فوق‌العاده‌ای برخوردارند و می‌توانند منشأ اقدامات گسترده‌ای گردند.

در عصر حاضر، اهمیت و نقش آفرینی نهادهای اطلاعاتی، بدون مبالغه، صدچندان شده و هیچ‌جانشینی برای آنها وجود ندارد. در محیط‌های فرایچیده امروزی، جوامع و افراد، برای زندگی بهتر و کارآمدتر، باید با اطلاعات زندگی نمایند. میزان موفقیت و پیشبرد در امور، به مقدار زیادی، به در اختیار داشتن اطلاعات کافی، مربوط می‌شود. دولت‌ها و نهادهای حکومتی، بدون در اختیار داشتن اطلاعات کافی و کیفی، به دور از واقعیت‌ها خواهند بود. همچنین در صورت نداشتن اطلاعات، آماده‌سازی هر راهبردی غیرممکن و در صورت تهیه، فاقد کارایی خواهد بود. بدین خاطر، تقویت سازمان‌های اطلاعاتی را به عنوان نهاد امنیت‌ساز، از اصلی‌ترین برنامه‌های خود قرار داده و بر این باورند چنانچه بخواهند در مسیر توسعه واقعی و امنیت پایدار، قرار بگیرند باید از

نهادهای اطلاعاتی حرفه‌ای؛ چابک و کارآمدی برخوردار باشند. از این رو، مبحث شناخت و آگاهی، محور مشترک و حلقه محکم میان تاریخ و نهادهای اطلاعاتی می‌باشد. با عنایت به مطالبی که بیان گردید سوال مقاله بر رابطه تاریخ و نهادهای اطلاعاتی قرار گرفته است. این که دو مفهوم مذکور چه پیوندی با یکدیگر داشته و چه نقشی برای تاریخ در کمک به فرآیندهای اطلاعاتی متصور است؟

آن چه که به عنوان فرض مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت این که تاریخ، در معنای آگاهی داشتن از رخدادها و تحولات گذشته، می‌تواند کمک قابل توجهی به نهادهای اطلاعاتی نماید. همچنین، تاثیر بسیار مهمی در تامین نیازمندی‌های «نقش شناختی» نهادهای اطلاعاتی دارد. براین اساس، توجه به تاریخ، از عوامل مهم موفقیت دستگاه‌های اطلاعاتی در حرفه‌ای‌سازی و چابک‌سازی آنها جهت پیمودن مسیر صحیح و مطمئن در اجرای وظایف و مأموریت‌هایشان به حساب می‌آید. بررسی تحولات گذشته، شناخت تجارب و آموزه‌های متنوع تاریخی و آگاهی از ساختارها، روندها و رویکردهای جوامع انسانی در دوره‌های پیشین، بر قدرت و توانمندی عناصر اطلاعاتی در فرآیند تصمیم‌سازی هوشمندانه و سیاستگذاری حرفه‌ای، نقش قابل توجهی دارد. در این نوشته ابتدا به مقوله اطلاعات و نقش شناختی نهادهای اطلاعاتی و مفهوم تاریخ، سپس به محورهایی که رابطه این دو را مشخص می‌سازند پرداخته می‌شود.

پیشینه تحقیق

سازمان‌های اطلاعاتی و کلیه فعالیت‌های مرتبط با آنها، علی‌رغم اهمیت و تاثیر گسترده، همچنین پیشینه طولانی - دومین حرفه قدیمی دنیا (سالارکيا، ۱۳۹۲: ۱۰۳)، پژوهش‌ها و مطالعات دانشگاهی مرتبط با آنها، به خصوص در کشورهای در حال توسعه، هنوز به جایگاه شایسته خود دست نیافته است. در کشورهای مختلف معمولاً اجرای پژوهش‌های علمی - اطلاعاتی با امتناع دو سویه‌ای روبرو بوده است؛ مراکز دانشگاهی و دستگاه‌های اطلاعاتی بنابه ملاحظاتی تمایل جدی برای شروع همکاری‌های مستمر و متقابل از خود نشان نداده‌اند.

غلبه داشتن نگاه سنتی و سلبی به کارکرد نهادهای اطلاعاتی، ذهنیت مبهم، رازآلود و بعضاً منفی نسبت به فعالیت‌های اطلاعاتی، که آن را مساوی با ویژگی‌های ماجراجویانه، جاسوسی و

برخوردهای خشن و مرموزانه می‌دانند (میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۷) و موارد دیگر، باعث شده تا این نگرش‌ها به حوزه نخبگانی و دانشگاهی نیز تسری پیدا کرده و تمایل چندانی برای ورود به مسائل و چالش‌های این حوزه صورت نگیرد.

تحولات بین‌الملل در قرن بیستم زمینه‌ای جهت ابهام‌زدایی از موضوع فراهم آورد تا به تدریج اطلاعات به عنوان مسئله جدی در پژوهش‌های دانشگاهی تبلور یابد (همان: ۷ و ۲۳) با وجود این، سال‌ها طول کشید تا مطالعه اطلاعات به طور جدی در دستور کار نهادهای دانشگاهی قرار گرفته و درب مراکز دانشگاهی به روی اطلاعات گشوده شود. در ایران نیز هر چند با تاخیر ولی تحقیقات و مطالعات گسترده‌ای در حوزه‌های مرتبط با امنیت و اطلاعات در مراکز معتبر دانشگاهی انجام پذیرفته یا در دست انجام است. آثار متعدد موجود در قالب‌های کتاب، مقاله، یادداشت و پایان‌نامه‌های دانشجویی، مویذ موضوع مذکور می‌باشد. ۱

در رابطه با موضوع و مسئله مقاله پیش‌رو، نوشتاری که به تبیین رابطه تاریخ و اطلاعات، و اینکه اطلاعات و داده‌های تاریخی چه کمکی می‌تواند به نقش شناختی دستگاه‌های اطلاعاتی نماید وجود ندارد گرچه آثار متعددی در رابطه با نقش، اهمیت و تاریخچه سرویس‌های اطلاعاتی و یا پاره‌ای از رخدادهای تاریخی که جنبه اطلاعاتی داشته به رشته تحریر درآمده است محققانی نظیر ابراهیم عاصم (۱۳۹۶)، آرون برگمن (۱۴۰۰)، ریچارد پلات (۱۳۹۸)، لوونتال مارک (۱۳۸۷)، آدا ب بوزمان (۱۳۹۳)، لورنت بونلی (۱۳۸۴)، آبرام شولسکی (۲۰۰۲) و ... که آثار قابل توجهی داشته‌اند. همچنین بررسی سیره امنیتی و رویکردهای اطلاعاتی - حفاظتی پیشوایان دینی که محل تتبع پژوهشگرانی نظیر ذاکری خمی (۱۳۹۶)، صادقی (۱۳۹۵)، رجبی دوانسی (۱۳۹۳)، فیاضی (۱۳۹۱)، افتخاری (۱۳۹۱)، اکبری (۱۳۸۹)، لکزایی (۱۳۸۵)، مطهری (۱۳۸۵) و ... بوده است. ۲

نقطه قوت و تمایزبخش مقاله با آثار موجود در این است که به جایگاه تاریخ در کمک به نقش شناختی دستگاه‌های اطلاعاتی پرداخته است.

۱. پیشینه طولانی تحولات تاریخی ایران با حجم متنوع و مترامی از اطلاعات در حوزه‌های گوناگون در دوره‌های گذشته، تنوع فراوانی از رخداد انواع پدیده‌های سیاسی و اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، فکری و بسیاری ضرورت‌های دیگر، قابلیت تبدیل شدن به یک حوزه تحقیقاتی پویا و تاثیرگذار را دارد.
۲. مشخصات کامل آثار مذکور در کتابنامه درج شده است.

چشم‌انداز مفهومی

با وجود پژوهش‌های متعددی که پیرامون مفهوم اطلاعات انجام پذیرفته تعریف جامع و مانعی که مورد پذیرش همگان باشد، تاکنون ارائه نگردیده است (اشرفی‌ریزی، ۱۳۸۶: ۵۵). واژه مزبور، نظیر سایر مفاهیم در حوزه علوم انسانی، علی‌الغلب، مناقشه‌برانگیز و گرفتار جنگ تعریف‌ها است.

در این نوشتار، متناسب با موضوع و مسئله موردنظر پژوهش، منظور از اطلاعات، دو جنبه می‌باشد؛ یک، اطلاعات به معنای «ساختار و فرآیند»؛ وجود دستگاه و نهاد اطلاعاتی که به استخراج، تولید و توزیع اطلاعات اشتغال داشته و حتی‌المقدور بر مبنای آن عمل شود. دوم، محصول؛ خروجی فرآیند نهادهای اطلاعاتی یا اطلاعات پردازش‌شده (دانش-اطلاعات)، جهت ارائه به مصرف‌کنندگان و متقاضیان نظیر تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران، می‌باشد (تاجیک و حیدری، همان: ۱۷).

در رابطه با اطلاعات، دو وجه مذکور را این‌گونه می‌توان تعریف نمود: سلسله اقدامات و فرآیندهایی که دستگاه‌ها و نهادهای اطلاعاتی متناسب با رسالت و فلسفه وجودی‌شان جهت تولید اطلاعات مفید و کارآمد در راستای پیشبرد وظایف و ماموریت‌ها به انجام رسانند. در واقع، فراهم‌آوردن اطلاعات و شناختی که پیش‌درآمد تصمیم و اقدام سیاست‌گذاران باشد. در این رابطه تعبیر دیگری که لازم است بدان اشاره گردد «چرخه اطلاعاتی» است؛ فرآیندی نظامند و روشمند، که از توسعه داده‌های خام به اطلاعاتی پخته و با ارزش، حکایت دارد. هدف اصلی این فرآیند، تهیه و آماده‌سازی بستری جهت تولید محصولات شناختی برای پشتیبانی از راهبردها و سیاست‌گذاری‌ها می‌باشد (همان: ۳۷).

اهمیت، ضرورت و جایگاه «اطلاعات» و «نهادهای تولیدکننده اطلاعات»

کسب آگاهی، شناخت و اطلاعات در حیات اجتماعی بشر همیشه از اهمیت بالایی برخوردار بوده و برای رسیدن به کمال و توسعه در ابعاد فردی و اجتماعی، یک ضرورت به حساب می‌آید. انسان‌ها و نهادهای اداری و اجتماعی، در موضوعات و مسائل مختلف، خود را به اطلاعات و دستگاه‌هایی که به تولید آن پردازند نیازمند می‌بینند. در پیش‌پاافتاده‌ترین امورات روزمره نیز هر تصمیم و یا گامی که برداشته شود به کسب میزانی از آگاهی و شناخت احتیاج دارد.

همزاد با تحولات نوین جهانی و با شکل‌گیری محیط‌های فرابپیچیده، اطلاعات‌ورزی و اطلاعات‌گرایی، اهمیت افزون‌تری یافت. اگر در گذشته و از زمان‌های نه‌چندان دور، توان رزمی، تجهیزات، عده و عده نظامی، در یک کلام، قدرت آتش، عامل برتری و موفقیت بود امروزه اطلاعات، آگاهی و دانایی، تاثیرگذار و تعیین‌کننده می‌باشد، توان جوامع را مشخص می‌سازد (ابرامی، ۱۳۷۹: ۶۱) و جایگاه فرمانروایی بر حیات آدمی یافته است (رازی، ۱۹۷۳م: ۱۷-۱۹).

در جوامع اطلاعاتی امروزین، دانش و آگاهی، محور تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (زرگر، ۱۳۸۵: ۸۳) به اندازه‌ای که دوران حاضر را عصر اطلاعات نامیده‌اند. جهان امروز در متن نوعی انقلاب اطلاعاتی توفنده واقع شده و جنگ اطلاعاتی یک توانمندی استراتژیک است، زیرا برتری در این حوزه، موفقیت و پیشرفت در سایر بخش‌ها را به دنبال دارد. نظام بین‌الملل در حال شکل‌گیری نوع خاصی از قدرت و هژمونی مبتنی بر دانش و اطلاعات است که بخش عمده محاسبات و تحولات آن، مبتنی بر تولید، چرخش و استفاده از اطلاعات قرار گرفته است. افزایش پیچیدگی‌ها و سرعت تغییرات محیطی، ضرورت توجه به عناصر یادگیرنده و دانشی را چند برابر ساخته است.

در عصر اطلاعات، دانایی و شناخت، پیوند اساسی با «قدرت و توانایی» پیدا کرده به گونه‌ای که در هیچ دورانی به اندازه عصر حاضر، این دو - دانایی و توانایی - ملازم یکدیگر واقع نشده‌اند. دانایی به عنوان انعطاف‌پذیرترین و بنیادی‌ترین نوع منبع قدرت شناخته می‌شود (تافلر، ۱۳۷۰: ۸۰۱-۸۰۲). قدرت کشورها، در حال گذار از «غناي ثروت» به «غناي اطلاعات» است. در گونه جدید قدرت، یعنی قدرت هوشمند، اطلاعات، از منابع اصلی آن به حساب می‌آید، تسهیل‌کننده قدرت است و تک‌تک انسان‌ها را در فراهم ساختن شرایط مطلوب و تحقق زندگی بهتر یاری می‌رساند (درخشانی، ۱۳۸۹: ۶۲۵-۶۲۶).

عصر اطلاعات در قواره بن‌نگره جهان، توانست تارپود زندگی بشر اعم از محیط، نهادها، جوامع و فرهنگ‌ها، کسب و کارها، آموزش و بسیاری چیزهای دیگر را دچار تغییر و بعضاً تحولات اساسی نماید. کشورها، جوامع و سازمان‌هایی که خود را برای قرن ۲۱ آماده می‌کنند باید به عنصر دانش و اطلاعات، نحوه گردش آن و بهره‌برداری از آن در جامعه، توجه جدی نمایند و با سنجش‌های دقیق، رشد آن را تضمین و با پایش مستمر، بر شتاب آن بیفزایند.

علاوه بر این، از مشخصه‌های دنیای امروز این است که بر محور و مدار «رقابت» می‌چرخد. رقابت‌گریزی و رقابت‌ستیزی، صدمات جبران‌ناپذیری خواهد داشت. تنها راه ماندگاری و پویایی در جهان امروز، رقابت‌پذیری هوشمندانه و اخلاقی است (قراملکی، ۱۳۸۴: ۱۴۳) در چنین محیطی با رقابت‌های متنوع و متراکم، داشتن اطلاعات به عنوان یک «مزیت استراتژیک و برگ برنده» به حساب می‌آید (همان: ۱۵۲). ذکر این نکته لازم است که در وضعیت توازن قدرت، برتری اطلاعاتی، نتیجه را متفاوت می‌کند و به عنوان «گزاره‌ای تعیین‌کننده» در معادلات نقش دارد. لذا، روند تحولات در حوزه‌های مختلف و میزان موفقیت در پیشرفت امور، به تولید و استفاده از اطلاعات کارآمد و با کیفیت بستگی دارد.

بر این اساس، چالش‌ها و منازعات پیش‌روی بشر، بیشتر در میان و در میدان شبکه‌های اطلاعاتی شکل خواهد گرفت (کلهر، ۱۳۷۹). در آینده نه چندان دور، برتری اطلاعاتی به صورت عرصه رقابتی نو و بسیار شدیدتر پدیدار خواهد شد. به میزان برخورداری از این سامانه‌ها، موفقیت، تاثیرگذاری و سلطه‌جویی بیشتری حاصل خواهد گردید. صاحب‌نظران سیاسی و نظامی پیش‌بینی کرده‌اند موج سوم نبردهای آینده، جنگ اطلاعاتی است که بر پایه دانش و آگاهی، استوار است. در جهان امروز نیاز به اطلاعات به هنگام، موثق و ساختار اطلاعاتی قدرتمند، واقعیتی انکارناپذیر برای دولت‌های مدرن محسوب می‌شود و آینده هر ملتی وابسته به اتخاذ راهبردهای دقیق و صحیح اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دفاعی است. کشورها، بدون سرمایه‌گذاری کافی در اطلاعات و مولفه‌های مرتبط با آن، نمی‌توانند انتظار داشته باشند در صحنه رقابت جهانی، قدرتمند و تاثیرگذار باقی بمانند (قاضی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۷۱). در حوزه راهبردی در عرصه‌های مختلف، اصلی‌ترین گزاره‌ای که با تکیه و تمرکز بر آن می‌توان فرآیند اتخاذ و اجرای تصمیم‌گیری‌ها، سیاستگذاری و انجام عملیات‌های مهم را پیش برد داشتن اطلاعات و شناخت می‌باشد (صابر فرد، ۱۳۹۲: ۷۳-۷۴) در غیر این صورت، آماده‌سازی هر راهبردی، غیرممکن و در صورت تهیه، فاقد کارایی خواهد بود.

بنابراین، ادستیابی به اطلاعات با کیفیت و بدیع، به طور مستمر توانایی‌های سازمان را برای خلق نتایج افزایش می‌دهد، راه رشد و حرکت را برای انسان روشن می‌سازد، بینش‌ها را نافذتر و پنجه‌ها را قوی‌تر می‌نماید، کیفیت تصمیم‌گیری‌ها را ارتقاء می‌بخشد (تاجیک و حیدری، همان: ۱۱۰) و

اسباب درک وسیعتر و دقیقتر از واقعیات جامعه را فراهم می‌آورد. بدون تردید، نداشتن قدرت اطلاعاتی، موجب از بین رفتن سرمایه‌ها شده و فراتر از آن، یک ضدارزش محسوب می‌شود (درخشانی، همان: ۶۲۶). لذا اطلاعات به مثابه «بخش مهمی از زندگی اجتماعی انسان مدرن» درآمده و آن را باید به حق «بعد گمشده شناخت بشری در عصر جدید» دانست (میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۷-۸).

اهمیت سازمان‌های اطلاعاتی

دستگاه‌های اطلاعاتی بخشی از ساختار اداری و دیوانی دولت‌های کلاسیک و مدرن هستند که قدمت و پیشینه طولانی دارند. نکته قابل توجه آن که تمامی دولت‌ها؛ از شدیدترین حکومت‌های استبدادی تا مردمی‌ترین حکومت‌ها، چنین نهادهایی داشته و دارند. در استقرار دموکراتیک‌ترین حکومت‌ها نیز تردیدی نسبت به وجود این دستگاه‌ها ایجاد نشده است. به عبارت دیگر، طرح این ادعا دور از ذهن نمی‌باشد که «تقریباً» در هیچ دولتی فلسفه وجود دستگاه‌های اطلاعاتی مورد تشکیک واقع نشده است. ماهیت حکومت و نگرش حکمرانان، همچنین اقتضائات هر عصری، دامنه و حجم مأموریت این نهادها را متغیر و مشخص می‌سازد.

این دسته از نهادها، دارای عملکردها و وظایف حیاتی و ثبات‌بخشی هستند و با نظم سیاسی، انسجام اجتماعی، آرامش و امنیت عمومی جامعه مرتبط‌اند. اهمیت نهادهای مزبور به اندازه‌ای است که در ارتباط مستقیم و تاثیرگذار با مقوله‌های مهم نظیر «بقاء»، «امنیت»، «منافع» و «قدرت» قرار می‌گیرد.

تمرکز اصلی نهادهای مزبور بر مقوله «اطلاعات» می‌باشد. فعالیت اطلاعاتی به مثابه مجموعه‌ای درهم تنیده از رفتارهای پنهان کارانه و پنهان‌پژوهانه که در یک سازمان مشخص انجام می‌گیرد. گردآوری و جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل و ارزیابی، مدیریت و بهره‌برداری از آن در ابعاد آشکار و پنهان از کارکردهای اساسی دستگاه اطلاعاتی می‌باشد (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۳۸). این امر، زمینه را برای ایجاد شناخت واقعی و جامع از محیط داخلی و پیرامونی برای ساستگذاران و حکمرانان فراهم می‌آورد. علاوه بر این، دستگاه‌های اطلاعاتی، در هر جامعه‌ای، نقش بسیار مهمی در تامین و تسهیل امنیت که کلیدی‌ترین و بنیادی‌ترین نیازهای اساسی جوامع است دارند. ماحصل آن تامین منافع پایدار و ارتقای قدرت جوامع می‌باشد.

سازمان‌های اطلاعاتی با وجود کارکردهای متنوع‌شان، براساس یک دیدگاه، دارای سه نقش مهم هستند؛ نقش شناختی، نقش نظارتی و نقش اجرایی (میرمحمدی، ۱۳۹۰ الف: ۲۹). این نهادها، برای نقش آفرینی کارآمدتر در کشورداری باید هر سه نقش شناختی، نظارتی و اجرایی را در دستورکار قرار دهند.

تلاش حرفه‌ای و هدفمند در کسب اطلاعات پنهان، علاوه بر اطلاعات آشکار، تحلیل دقیق و مدیریت صحیح و به موقع آن، از ظرافت‌های اصلی دستگاه‌های اطلاعاتی می‌باشد. اطلاعات پنهان از زوایای پدیده‌ها را نباید در آگاهی از زدوبندها و طراحی‌ها خلاصه نمود بلکه به دریافت داده‌ها و اطلاعات دقیق از ریشه‌های تحولات و لایه‌های عمیق پدیده‌های مورد مطالعه نیز اطلاق می‌گردد. باید توجه داشت آن‌چه که به بسیاری از پدیده‌ها و مسائل جامعه جهت می‌دهد تاثیرپذیری گسترده از ریشه‌ها و روندها می‌باشد.

لذا نقش و کارکرد دستگاه‌های اطلاعاتی بسیار موسع می‌باشد و ضرورت دارد با نگرشی حداکثری و ایجابی به اهداف و مأموریت‌های آن نگریسته شود. این امر سازمان را در تولید اطلاعات معتبر و شناخت دقیق مدد رسانده و همچنین در مسیر پویایی و اتخاذ رویکردهای آفندی قرار می‌دهد. درواقع، محدودسازی نهادهای مزبور به برخوردهای سلبی و دفعی، محروم‌سازی جامعه از آثار مفید و سازنده وجود دستگاه‌های اطلاعاتی می‌باشد که قطعاً امری مزوم و مخرب خواهد بود.

«نقش شناختی» سازمان‌های اطلاعاتی

با تحولات نوینی که در قرن بیستم، در حوزه روابط و نظام بین‌الملل به وقوع پیوست و به دنبال آن، با گسترش سریع مناسبات منطقه‌ای و جهانی، زمینه جهت بازنگری در کارکردها و وظایف نهادهای اطلاعاتی و توسعه نقش آنها به امری فوری تبدیل شد. نگرش‌های کلاسیک و تداوم الگوی سنتی فعالیت دستگاه‌های اطلاعاتی، پاسخگوی وضعیت جدید نبوده و توانایی این نهادها برای تاثیرگذاری بر سیاست‌ها در رقابت با رقبای نوظهور را به شدت کاهش می‌داد. براین اساس، در عصر حاضر نهادهای اطلاعاتی با گرایش به کارکردهای نوین و کاربست آن، به یکی از

۱. دستگاه‌های اطلاعاتی وظایف متعددی بر عهده دارد که برخی از آنها نظیر «پیشگیری» در ذیل نقش‌های نظارتی و به‌خصوص اجرایی قرار می‌گیرند.

نیرومندترین و موثرترین دستگاه‌هایی تبدیل می‌شوند که در مواجهه هوشمند با وضعیت جدید، نقش کلیدی بر عهده دارند.

در رابطه با نقش‌های سازمان‌های اطلاعاتی سه مورد اصلی ذکر شده که «نقش شناختی» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (محمدی‌لرد، ۱۳۹۰: ۱۴-۳۰). جایگاه و نقش شناختی سازمان‌های اطلاعاتی، متناسب با تحولات جدید بوده توانمندی گسترده‌تر و قابلیت بیشتری به آنها می‌بخشد و در حرفه‌ای‌سازی و چابک‌سازی آنها بسیار تاثیرگذار است.

«ضرورت شناخت» از اصلی‌ترین گزاره‌ها در قرون جدید در ایجاد سازمان‌های نوین اطلاعاتی شناخت پایه، می‌باشد. باید آن را یکی از شاخص‌های هستی شناختی سازمان به حساب آورد. اهمیت جایگاه شناختی به اندازه‌ای است که از آن با عنوان نقش اصلی و تاثیرگذار یاد می‌شود (تاجیک، همان: ۳۰). همچنین، نقش شناختی، ارتباط بسیار نزدیکی با فلسفه وجودی نهادهای اطلاعاتی دارد. امروزه نهادهای اطلاعاتی، به خصوص در کشورهای پیشرفته، که به صورت حرفه‌ای فعالیت دارند بخش عمده توانمندی‌شان را در راستای تولید محصولات شناختی صرف می‌کند (تاجیک و حیدری، همان: ۳۳). به میزان توانمندی در ایفای هر چه کامل‌تر نقش شناختی، سازمان‌های اطلاعاتی از تاثیرگذاری و پویایی بیشتری برخوردار خواهند شد و در صورت فروگذاری و یا ضعف در ایفای نقش مزبور، بدون تردید به دستگاهی ناکارآمد و حتی خطرناک، تبدیل خواهند شد.

در رابطه با برجسته شدن این نقش، رویدادهای مربوط به جنگ‌های جهانی و جنگ سرد، تاثیر اساسی داشتند (همان: ۲۸). تحولات مربوط به این مقطع، به دو علت، زمینه گسترش نقش شناختی سازمان‌های اطلاعاتی را فراهم آوردند؛ نخست، جنگ، وضعیتی ایجاد می‌کرد که سرشار از ابهام، تردید، ندانستن و ترس ناشی از عدم آگاهی بود. این شرایط به طور خاص، احساس نیاز به دانستن و شناخت را نزد سیاست‌گذاران و رهبران کشورها به وجود می‌آورد همین نیاز، محرکی برای تاسیس و تکامل سازمان‌های اطلاعاتی بود.

دوم، در جنگ حیاتی‌ترین نیاز ملت‌ها یعنی امنیت و بقاء به مخاطره می‌افتد. انسان‌ها در شرایط صلح و زمانی که نیازهای اولیه آنها به شکل منظم و بدون وقفه تامین شود دلیلی برای آینده‌نگری، فعالیت بیشتر، خطرپذیری و دانستن بیشتر از دنیای اطراف‌شان نمی‌بینند. اما هنگامی که موجودیت

آنها تهدید می‌شد حتی ضعیف‌ترین انسان‌ها نیز واکنشی شدید در برابر تهدید از خود نشان می‌دادند و به فکر یافتن راهی برای دفع خطر و رفع تهدید می‌افتند. انسان‌ها از آن‌چه نمی‌دانند و نمی‌شناسند واهمه دارند. پیش‌نیاز هر راهبردی در منازعه، کسب شناخت است و مهمترین زیرساخت تامین امنیت ملی و منافع عمومی در دوران جنگ و صلح می‌باشد. در واقع، اطلاعات زاینده نامنی حاصل از جنگ و ترس از جنگ بعدی بود(همان). لذا با وقوع جنگ جهانی و جنگ سرد، بر اهمیت و ضرورت آن افزوده شد.

با عنایت به توضیحاتی که بیان گردید نقش شناختی را این‌گونه می‌توان تعریف کرد: کسب آگاهی و اطلاعات و تولید شناخت از طریق بررسی دقیق و علمی ساختارها و پدیده‌های اجتماعی و انسانی که در سطوح و لایه‌های مختلف جامعه وجود داشته و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مرتبط با رسالت سازمان‌های اطلاعاتی می‌باشد. به اقتضای این نقش، دستگاه‌های اطلاعاتی سعی دارند ابعاد و زوایای مسائل، به خصوص جنبه‌های پنهان و لایه‌های زیرین، مورد بررسی قرار گرفته تا شناخت و اطلاعات دقیق و کاملی حاصل نمایند. در این نقش، شناخت واقعی و حقیقی پدیده‌ها و مسائل جامعه، با حداقل دخالت دادن بینش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌ها، همچنین ملاحظات سیاسی و... مورد نظر است.

کارکرد شناختی سازمان‌های اطلاعاتی، به عنوان بخشی از ساختار اداری دولت مدرن، تولید شناخت پیشینی از دنیای پیرامون سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان می‌باشد(میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۳۸). براین اساس، سازمان اطلاعاتی نظیر دانشگاه، مهمترین هدفش تولید شناخت است که برای حکمرانی بهتر و کم‌هزینه‌تر، ایجاد ارزش افزوده می‌کند(میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۱۹).

عرصه‌هایی که در ارتباط با کار سازمان‌های اطلاعاتی قرار می‌گیرند علاوه بر اهمیت بنیادین، مملو از ابهام، تاریکی و تردید هستند به هر میزانی که شناخت کیفی و دقیق از این حوزه‌ها به دست آید طراحی، سیاست‌گذاری و اقدام را میسرتر می‌سازند. با بررسی و مطالعه پدیده‌های انسانی و اجتماعی مبتنی بر رویکرد اطلاعاتی، شناختی عمیق حاصل خواهد شد. سازمان‌های اطلاعاتی اقدامات شناختی‌شان را حول پدیده‌ها و مسائل داخلی و خارجی کشور که تاثیرگذار بر منافع و امنیت ملی است متمرکز می‌نمایند. ساختارهای مذکور مترصد آن هستند با تولید آگاهی و شناخت، از نیات، انگیزه‌ها و برنامه‌های راهبردی دشمنان و رقبا، ابهام‌زدایی نمایند. لذا نقش

شناختی، این مهم را میسر می‌سازد که سازمان‌های اطلاعاتی از بسیاری مسائل و تنگناهای کشور مطلع گردند.

سازمان‌های اطلاعاتی با ایفای نقش شناختی به مثابه نوافکن‌هایی هستند که مسیر پربپیچ و خم و سنگلاخی سیاست را برای حرکت تیم سیاست‌گذاری نورافشانی می‌کنند هر اندازه بُرد نورافکن بیشتر باشد مسیر پیش‌رو، بهتر دیده می‌شود، تردیدها و ترس از جهان پیش‌روی را کاهش می‌دهد. نوافکن ضعیف یا نبود آن، به معنای گام نهادن در تاریکی است. در مقایسه سازمان‌های اطلاعاتی با بدن انسان، اینگونه بیان می‌شود اطلاعات شناختی به دست آمده به مثابه «خون برای بدن» است (میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۳۲۲). شناختی که حاصل فعالیت‌های اطلاعاتی باشد موجب درک وسیع‌تر و صحیح‌تر از واقعیات جامعه می‌گردد و از این‌که گرفتار مسائل صرفاً انتزاعی و بعضاً بی‌ارتباط با مسائل واقعی جامعه شود، فاصله می‌گیرند.

کارآیی نقش شناختی نهادهای اطلاعاتی

الف: تاثیر در روند سیاست‌گذاری: تاثیر بر سیاست‌گذاری از جمله ویژگی‌های هستی‌شناختی دستگاه‌های اطلاعاتی به شمار می‌آید (میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۲۹۶). شناخت و کسب اطلاعات خوب، سیاست‌گذاری خوب را به دنبال خواهد داشت. اطلاعات، پیش‌نیاز سیاست‌گذاری موثر و ابزار شناختی در دست سیاست‌گذاران برای مشاهده بهتر و واقعی‌تر دنیای اطراف است (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۹۶). اطلاعات در ایجاد شناخت واقعی و جامع از محیط داخلی و پیرامونی برای سیاست‌گذاران اهمیت اساسی دارد (مک‌لین، ۱۳۸۷: ۴۸۱).

محصولات شناختی نهادهای اطلاعاتی نقش موثری در رفع نیازمندی سیاستمداران، برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران دارد. لذا نقش اطلاعات، در حمایت از سیاست‌گذاران و پشتیبانی از فرآیند سیاست‌گذاری قابل تعریف می‌باشد و به مقامات در تصمیم‌گیری و پیشرفت در مسیر صحیح و مطمئن همراه با موفقیت کمک می‌نماید.

به گفته سان تزو، پیروزی در بازی سخت بین‌المللی نیازمند شناخت دشمن یا رقیب است، اگر کسی دشمن و خودش را خوب بشناسد در هزار جنگ هم که وارد شود خطری متوجه او نخواهد شد اگر تنها خودش و نه دشمن را بشناسد گاهی برنده و گاهی بازنده خواهد بود، اگر نه دشمن و نه خودش را بشناسد در هر نبردی شکست خواهد خورد (میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۳۴۱). لذا مزیت

اصلی اطلاعات این است که سیاستمداران و برنامه‌ریزان را قادر به کاربست دقیق‌تر «قدرت» می‌کند. این نکته ضرورت شناخت کامل دشمن؛ آشنایی با طرح و طراحی‌های آن و داشتن استراتژی و برنامه مشخص برای مقابله با آن را روشن می‌سازد.

هر چه نقش‌های شناختی دستگاه اطلاعاتی در فرایند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری نظام‌های حکومتی تقویت شود، عنصر عقلانیت و خردگرایی در نظام سیاسی افزایش خواهد یافت. سازمان‌های اطلاعاتی می‌توانند بسیار از سیاستمداران و برنامه‌ریزان را از موضع ایده‌آل‌های دست‌نیافتنی به واقعیت عینی و محسوس سازمان سوق دهند، آرمانگرایی آنان را اصلاح و از شکاف میان ذهنیت و واقعیت در اندیشه سیاستمداران بکاهند (ترورتون، ۱۳۹۴: ۴۵). تحلیل‌گر باید در ارزیابی‌های خود پیگیر، سرسخت و دقیق باشد و از دیدگاه‌های عوامانه و سطحی دوری نماید چنانچه مبتنی بر شناخت حرفه‌ای و درک عمیق از تحولات و مسائل باشد، این مهم میسر می‌گردد.

ب: تاثیر گذاری بر «اندیشه و انگاره» تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران: از دیگر مواردی که در ذیل نقش شناختی سازمان‌های اطلاعاتی مطرح است تاثیر محصولات شناختی دستگاه‌های اطلاعاتی در «شکل دادن به فضای ذهنی تصمیم‌گیران و ایجاد انگاره‌های هدفمند در اندیشه آنها» نسبت به پدیده‌ها و موضوعات جامعه می‌باشد (فرامرزق‌املکی، ۱۳۹۸). فهم و یادگیری مسائلی که با مطالعه محصولات اطلاعاتی در اندیشه سیاست‌گذاران شکل می‌گیرد با گذر زمان تبدیل به زمینه شناختی آنان از مسائل شده و در میان‌مدت در برداشت آنان نسبت به موضوعات موثر است. وظیفه اصلی سازمان اطلاعاتی تولید جاسوس نیست حتی صرفاً تولید اطلاعات هم نیست بلکه «ایجاد بینشی درست و درک صحیح» نسبت به مسائل و مناسبات موجود در اندیشه سیاست‌گذارانی است که ضرورتاً باید به سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اقدام، دست بزنند (ترورتون، ۱۳۹۴: ۲۲۱، دیوسالار و طاهرپور، ۱۳۹۴: ۹۲-۹۴). چنانچه نقش شناختی نهادهای اطلاعاتی حاصل شود جنبه پیشگیرانه نیز دارد زیرا با تاثیرگذاری بر ساختار ذهنی سیاست‌گذاران، از بروز کنش‌های ناصواب و سیاست‌های نسنجیده جلوگیری به عمل می‌آید.

براین اساس، ثبات و آرامش در عرصه‌های مختلف، با اقدام شناختی بهتر محقق می‌شود برای ایجاد و حفظ ثبات «مشارکت در فرآیند سیاست‌گذاری» به جای «ایفای نقش هشداردهنده» ضروری

است. پارادوکس چشم یا بازو نیز ریشه در این واقعیت دارد که سازمان اطلاعاتی قرار است تنها ابزاری برای مشاهده بهتر جهان اطراف باشد یا به عنوان بازویی نامرئی جهت مداخله در روند پدیده‌های پیرامونی مورد استفاده قرار گیرد (میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۳۴۱، تاجیک و حیدری، همان: ۳۳).

بنابراین، نهادهای اطلاعاتی در جهت تحقق اهداف شناختی، تولید اطلاعات و تاثیر در سلسله فرایندهای سیاست گذاری، می‌توانند از ابزارها و منابع مختلفی بهره ببرند. معرفت تاریخی و آگاهی‌های حاصل از آن، یکی از غنی‌ترین منابعی به حساب می‌آید که در تامین نیازمندی‌های شناختی دستگاه‌های اطلاعاتی، نقش قدرتمند و پرکاربردی دارد. بررسی تحولات تاریخی و لایه‌های زندگی جوامع گذشته و اکتفا نکردن به مسائل جاری و روزمره، شناختی عمیق و قابل اتکاء در اختیار نهادهای اطلاعاتی می‌گذارد.

جایگاه و اهمیت تاریخ در پیشبرد وظایف سازمان‌های اطلاعاتی

به اذعان منابع معتبر دینی و علمی، تاریخ از جمله دانش‌هایی به حساب می‌آید که سودهای بسیار و منافع دنیوی و اخروی بیشماری دارد (ابن اثیر، بی تا: ۱۳۹. شهیدی، ۱۳۸۱: ۲۹۷-۲۹۸). مباحث-به تعبیر میرخواند- این فن شریف از ارزش علمی بسیار بالایی برخوردار است (میرخواند، ۱۳۸۰: ۱۱). آگاهی‌های انبوهی از حوزه‌های مختلف در متن تاریخ وجود دارد که رجوع به آنها، قابلیت‌های شناختی معتبر و قابل اتکایی برای افراد و نهادها فراهم می‌آورد. سودمندی تاریخ منحصر به موضوع خاص علمی یا اجتماعی نمی‌باشد (ابن خیاط، ۱۴۱۴ق: ۲۳-۲۴) بلکه کلیه شاخه‌های جامعه امکان بهره‌برداری از تاریخ برای شان فراهم است. همچنین، در سطوح گوناگون؛ از جنبه‌های فردی و تجربی تا سطوح عالی حاکمیتی و سیاست گذاری، قابلیت استفاده از تجارب و اطلاعات تاریخی در پی‌ریزی زندگی سالم و خردمندانه وجود دارد (سخاوی، بی تا: ۸۶).

در هر کشوری پیشینه تاریخی آن جامعه و حتی جوامع دیگر، سرمایه ارزشمندی به حساب می‌آید که در اختیار افراد و تصمیم‌گیران آن جامعه است. مجموع این اطلاعات و سوابق، به عنوان یکی از محورهای اصلی در افزایش شناخت و معرفت اجتماعی آن جامعه محسوب می‌شود. جمله مشهور یکی از محققین به موضوع اشاره دارد که جامعه بشریت از مردگان بیشتر تشکیل شده تا از زندگان (ریمون، ۱۳۶۶: ۱/۱۱۷) و این ضرورت توجه بیشتر به گذشته را نشان می‌دهد.

قطع رابطه با گذشته و بی توجهی به تجارب پیشینیان، قطعاً خطایی راهبردی و هدر دادن بخش قابل توجهی از سرمایه معنوی یک ملت می‌باشد (کسروی، ۱۳۷۷: ۲۹-۳۱). اینکه گذشته، گذشته است و تمام، بدون تردید، اندیشه صحیحی نیست. ملت‌های فرهیخته هیچگاه از گذشته خود و دیگران، اعراض نمی‌کنند. شایسته نخواهد بود با کنار گذاشتن مطالعه تجربیات تحولات گذشته، خود را در معرض تنبیه سخت تاریخ و تکرار تجربه‌های تلخ و ناخوشایند گذشتگان قرار داد، نباید با نگاه بدبینانه و منفعلانه به تاریخ و انکار اهمیت آن، خود را از شناخت اطلاعات، تجربیات و آموزه‌های تاریخی عاجز دانست. بلکه لازم است مشتاقانه و مبتکرانه جهت شناخت گذشته در حد توان اقدام شود.

در مباحث پیشین، از اصلی‌ترین کارکرد سازمان‌های اطلاعاتی، نقش شناختی ذکر گردید. به گونه‌ای که داشتن اطلاعات و کسب شناخت، نیاز حیاتی نهادهای اطلاعاتی به حساب می‌آید و بقاء و پویایی آنها به این امر بستگی دارد. بدون تردید، با توجه به ویژگی‌های ارزشمند اطلاعات تاریخی، این مهم، نقش اساسی و ارزنده‌ای در عمق‌بخشی و تاثیرگذاری نقش شناختی سازمان‌های اطلاعاتی ایفا می‌نماید. همچنین تولید شناخت با کمک داده‌های تاریخی، به مقدار زیادی، گستره شناختی نهادهای اطلاعاتی، قدرت سازندگی و اسباب برتری اطلاعاتی آنها در حوزه‌های گوناگون را فراهم می‌آورد.

از فواید تاریخ، آگاهی از جهان و جوامع و شناخت مردم آن است چه چیز از این مهمتر که جهانی را که در آن زندگی می‌کنیم بشناسیم. اگر جهان را شناسیم خود را به اتفاقات روزگار سپرده‌ایم و در مقابل، وقتی شناخت حاصل شود قدرت تصرف پیدا می‌شود. انسان به جای آن که در این رودخانه غریقی بی‌اختیار باشد به شناگری فعال تبدیل می‌شود که از عالم فرض و خیال بیرون می‌آید به بالادست و پایین دست آن یعنی گذشته و آینده می‌نگرد تا بتواند جایگاه حوادث و وقایع و امور را در مسیر این رودخانه که از ازل تا به ابد جاری است معلوم سازد. از این رو، اگر با استفاده از تاریخ، جایگاه خود را در تحولات تاریخی و جغرافیای جهان کنونی تعریف نکنیم دیگران ما را به مقتضای منافع و اهداف خود تعریف خواهند کرد (رحمانیان، ۱۳۸۶: ۱۳۱۹).

در رابطه با جامعه ایرانی که از پیشینه تاریخی کهنی برخوردار است و همواره در معرض تطورات و تحولات تاریخی متنوعی بوده این مهم اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به گفته یکی از محققین تاریخ، «تاریخ سرزمین ایران، چه به لحاظ پیشینه دراز و درخشان، و چه به لحاظ پیوستگی و استمرار خیره‌کننده، تاریخی کم‌نظیر دارد. در تاریخ فرهنگ و مدنیت عالم، کمتر ملتی چنین نیروی شگرف و شگفتی برای پایداری و استمرار از خود نشان داده و این همه افت و خیز و فراز و نشیب و تلاطمات بزرگ را تجدید کرده است. وظیفه ماست که از راز و رمز این استمرار و پیوستگی سردر بیاریم» (رحمانیان، ۱۳۸۳: ۱۶۵).

نکته مهمی که در رابطه با کسب شناخت تاریخی وجود دارد این است که اطلاعات و داده‌های حاصل از رخدادهای گذشته ملت‌ها را باید از وضع خام، عصری و تاریخی بودن صرف، خارج ساخت و به اطلاعات قابل استفاده و کاربردی امروزی تبدیل کرد. بخش گسترده‌ای از مباحث تاریخی، عوامل، زمینه‌ها و عناصر تاثیرگذار در پدیده‌های مهم تاریخی نظیر ظهور و سقوط دولت‌ها و تمدن‌ها، شکل‌گیری جنبش‌ها و حرکت‌های سیاسی و اجتماعی، تحولات جوامع در حوزه‌های گوناگون و سایر پدیده‌ها انسانی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشند. نکات درخور توجهی در متن و بطن آنها وجود دارد که می‌توان اصول و قواعد منطقی و تجارب کاربردی از آنها استخراج کرد.

رابطه و تاثیر تاریخ بر وظایف نهادهای اطلاعاتی

۱-۳) اشتراک در موضوع: در امر پیوند و تاثیرگذاری تاریخ و نهادهای اطلاعاتی، برجسته‌ترین نکته موجود این است که موضوع اصلی و محوری هر دو، «انسان و حیات اجتماعی و انسانی» است. تاریخ به بررسی سیر تحولات و تطورات جوامع انسانی در دوران گذشته می‌پردازد (روزنتال، ۱۳۶۵: ۲۷). از زمانی که بشر در وضع بسیار ابتدایی با کمترین ابزار و تکنولوژی زندگی می‌کرد تا مقطع کنونی که پیشرفت بشر به جایی رسیده که علاوه بر تسخیر زمین و کشف اتم، در فضا نیز سیر می‌نماید. با توجه به این موضوع، مجموع رفتارها، تجربیات و عملکرد «انسان‌ها»، جوامع بشری، نهادها و تشکیلات اجتماعی در «چینه‌دان تاریخ» ثبت است.

موضوع کار دستگاه‌های اطلاعاتی نیز انسان و فعالیت‌های انسانی در سطوح و حوزه‌های مختلف می‌باشد. لذا فصل مشترک تاریخ و نهادهای اطلاعاتی، تمرکز بر ارتباطات انسانی، کنش و واکنش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی مرتبط با آن قرار گرفته است.

برخورداری از موضوع و مرز مشترک، امکان ارتباط گسترده‌تر، تاثیرگذاری و همکاری نزدیک‌تر را فراهم می‌آورد. براین اساس، تاریخ در حوزه زوایای مختلف ارتباطات انسانی و فعالیت‌های اجتماعی، دامنه وسیع‌تری را برای نیروها و نهادهای اطلاعاتی، متناسب با ماموریت‌شان می‌سازد. ضمن آن که امکان شناخت دقیق‌تر انسان به ما هو انسان در طول تاریخ، میسر است. تاریخ از قدرتمندترین منابع شناخت انسان در موقعیت‌های مختلف می‌باشد (کالینگود، ۱۳۸۹: ۱۸). این امر، توان و قدرت بسیار بالایی در اختیار نیروها و یا نهادهایی که امروزه به بررسی نوع انسان مشغول‌اند می‌گذارد.

۲-۳) اطلاع از سیر تطور و دگرذیسی نهادهای اطلاعاتی در جوامع بشری؛ اقدامات و عملکرد آن‌ها: به لحاظ تاریخی، نهادهای اطلاعاتی از سابقه و قدمت زیادی برخوردارند. گفته می‌شود اطلاعات؛ دومین حرفه کهن جهان محسوب می‌شود (سالارکیا، همان: ۱۰۳). در واقع از زمانی که آثاری از حیات اجتماعی انسان‌ها بر روی زمین شکل گرفته فعالیت‌هایی که جنبه اطلاعاتی داشته به شکل‌های مختلف در جامعه خودنمایی کرده است، به گونه‌ای که انجام هرگونه مطالعه و ارزیابی دوره‌های تاریخی بدون توجه به اقدامات و بعضاً نقش‌آفرینی دستگاه‌های اطلاعاتی و نهادهای مرتبط با آنها در آن جامعه، خلاءهای زیادی در بررسی‌های تاریخی ایجاد خواهد کرد. بررسی عملکرد و آثار اقدامات، مصادیق و مسائل، نقش و نفوذ و مهمتر از آن، سیر تحول ساختاری و ماموریتی آنها، نکات قابل توجهی دارد که فلسفه وجودی و ماهیت نهادهای مزبور را روشن‌تر ساخته و بر اهمیت و اعتبار آنها می‌افزاید. ضمن اینکه پیشرفت‌ها و نگرش‌های نوینی که امروزه پیرامون دستگاه‌های اطلاعاتی شکل گرفته بخش قابل توجهی از آن مرهون اطلاع از سابقه و عملکرد تاریخی آنان می‌باشد. به بیان دیگر، تطور و پویایی نهادهای اطلاعاتی در دوران حاضر، از پیشینه آنها تاثیر پذیرفته و امکان توسعه و تکامل ساختاری و ماموریتی‌شان را فراهم آورده است. چنانچه این مهم با امعان نظر بیشتری همراه گردد دستاوردهای گسترده‌تری حاصل خواهد شد. بدون تردید، شکل‌گیری شمار زیادی از تئوری‌ها و چارچوب‌های نظری در حوزه اطلاعات،

- که امروزه در مراکز دانشگاهی اطلاعاتی مورد استفاده است - منبعث از پیشینه و سابقه عملکردی نهادهای اطلاعاتی می باشد. لذا در کنار توجه به نظریه‌ها در حوزه اطلاعات، تمرکز بر تجربیات تاریخی نیز بسیار راهگشا خواهد بود.

۳-۳) شناخت جامع‌تر و عمیق‌تر ویژگی‌های جوامع بشری: از محورهای کلیدی در وظایف نهادهای اطلاعاتی، شناخت خصوصیات و مشخصات جوامع است. هر جامعه‌ای به اقتضای موقعیت طبیعی و ارتباطی، ساختار فرهنگی و اجتماعی و موارد دیگر، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که تحقیقاً، بخش عمده فعل و انفعالات و تحولات آن جامعه در دوره‌های گوناگون تاریخی متأثر از کارکرد این مولفه‌ها می باشد. هیچ نهاد و رفتار اجتماعی را نمی توان یافت که خارج از چارچوب گفتمان فکری-فرهنگی آن جامعه باشد (روح الامینی، ۱۳۷۲: ۴۲).

در این رابطه تاریخ قادر است نقش اساسی ایفا نماید، زیرا موضوع تاریخ، حیات انسان و کلیه فعالیت‌های انسانی از سطوح فردی تا حوزه‌های کلان اجتماعی در اشکال و انواع گوناگون را شامل می شود (نوذری، ۱۳۷۹: ۱۷۸). یافته‌های تاریخی از غنی‌ترین منابع شناختی و معرفت‌بخشی در حوزه روابط و اجتماعات انسانی به حساب می آید که تراکم و تنوعی از اطلاعات و آگاهی‌ها در متن آن نهفته است.

براساس این ویژگی، تاریخ این قابلیت را دارد که اخبار و اطلاعات اندرونی جوامع؛ از حیات سیاسی، سبک زندگی و اجتماعی، نیروهای تاثیرگذار و تعیین کننده، کنش و واکنش‌های مردمی و چگونگی ظهور و بروز آن، ویژگی‌های اقتصادی، ساختار فرهنگی، روندها و رویه‌های جاری در میان مردم و دولت‌ها، همچنین آثار اقدامات و سیاست‌های آنها و موضوعات مختلف دیگر را در اختیار نهادهای اطلاعاتی گذارد. لذا در این رابطه، آگاهی‌های تاریخی، اطلاعات برتری بخش و مزیت آفرین هستند.

نیروها و نهادهای اطلاعاتی در ارتباط با پدیده‌ها و موضوعات جامعه، هر اندازه که به عقب‌تر برگردند و در کسب اطلاعات تاریخی پیرامون ویژگی‌های جوامع توفیق بیشتری حاصل نمایند شناخت و اشراف‌شان به مسائل و مناسبات جامعه بیشتر شده در نتیجه میزان موفقیت در پیشبرد اهداف و برنامه‌ها ارتقاء می یابد.

جهت تبیین موضوع از یک بحث ورزشی کمک گرفته می‌شود. در یک بازی فوتبال میزان موفقیت تیم به مقدار اطلاعات و شناختی بستگی دارد که از نقاط ضعف و قوت و سایر ویژگی‌های تیم رقیب به دست می‌آید. در واقع با رجوع به بازی‌های گذشته تیم (تاریخ)، از سبک بازی، سابقه عملکرد فنی بازیکنان و تفکر کادر مربی‌گری تیم، شناختی حاصل خواهد شد که ضریب موفقیت تیم را افزایش می‌دهد. در غیر این صورت، تیم در کسب نتیجه با مشکل مواجه خواهد شد، و یا در موارد مکرری پیش می‌آید که در جریان فوتبال و در وضعیتی که اصطلاحاً، بازی گره خورده تجربه بازیکنان مجرب تیم، در نتیجه‌گیری موثر واقع می‌شود. در واقع آگاهی و تجربه بازیکنان است که گره‌گشا خواهد بود. این تجربه یعنی تاریخ. به بیان دیگر، بررسی و آنالیز (تعبیر اهالی فوتبال) عملکرد گذشته رقبای و حریفان، اسباب موفقیت تیم را فراهم می‌آورد.

۳-۴) انگاره‌سازی و تاثیر بر فضای ذهنی تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران: انگاره‌سازی و شکل‌دهی هدفمند به اندیشه افراد؛ مدیران، عناصر سیاست‌گذار، تصمیم‌گیر و ...، از محورهای مهم نقش شناختی دستگاه‌های اطلاعاتی می‌باشد که آگاهی‌های تاریخی در پیدایی و ساخت این مهم نقش بسیار نیرومندی دارند (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۸: ۳۷-۵۹). نتیجه آن در دو مورد منعکس می‌گردد:

یک، چنانچه دستگاه‌های اطلاعاتی بر بهره‌برداری هدفمند از مطالب و مباحث تاریخی تمرکز نموده و رجوع به تجارب متنوع تاریخی به صورت مستمر در دستور کار آنها قرار گیرد با انگاره‌هایی که در نظام فکری و اندیشگی آنها شکل می‌گیرد در حوزه اجتماعی و انسانی، افق‌های جدیدی بر روی اطلاعات و ورزشان در حوزه ماموریتی‌شان گشوده خواهد شد. همچنین رهیافت، یا رهیافت‌های تازه‌ای نسبت به کاربری اطلاعات در سطح جامعه فراهم خواهند آورد. ویژگی انگاره‌سازی تاریخی در این است که رهیافت‌ها و یا رویکردهایی که پدید می‌آید تناسب زیادی با بوم و بر جامعه دارد و صرفاً موارد انتزاعی نمی‌باشد.

دوم، مدیران مهم مملکتی در هر سطح به خصوص در حوزه سیاست‌گذاری داخلی و خارجی به صورت پیوسته در معرض انتخاب‌ها و اتخاذ رویکردهایی هستند که بیش از هر چیز به داشتن اطلاعات و شناخت نیاز دارند (مسکویه، همان: ۴۹). پیدایی انگاره‌ها و ذهنیت‌های جدید متأثر از شناخت تاریخی، کنش و واکنش‌ها و سایر اقدامات، آنان را از پختگی و وزانت بالایی برخوردار

می‌سازد. روح حاکم بر داده‌ها و اطلاعات معتبر تاریخی، افراد و بهره‌برداران را از سطحی‌نگری، روزمرگی و شتاب‌زدگی، دور می‌سازد. در واقع، خاصیت معارف و آموزه‌های تاریخی، این است که با تقویت حافظه، قوه ابداع و ابتکار را وسعت می‌بخشد، احساسات نیک را نیرو می‌دهد، بر قوای عقلانی می‌افزاید و در نهایت، قوه تشخیص و تمییز، را تربیت و تقویت می‌کند (نخجوانی، ۱۳۵۷: ۲-۳). همچنین نحوه مواجهه با مسائل ریز و درشت جامعه را واقعی‌تر ساخته و از گرفتار شدن در احساسات هیجانی ناپایدار و آرمان‌پردازی‌های غیرعملی دور می‌سازد. برآیند آن، افزایش دانایی و ارتقای توانایی افراد است. به تعبیر یکی از محققین، «درک تاریخی، دنیای مان را وسیع‌تر و جهان‌بینی مان را غنی‌تر و عمیق‌تر می‌نماید». این موارد با مداومت ورزیدن در مطالعه پیوسته و هدفمند متون تاریخی، حاصل می‌گردد.

۳-۵) کشف و شناسایی نیروهای تداوم‌بخش و تحول‌زای جوامع: در هر جامعه‌ای متناسب با نقش و تاثیرگذاری ویژگی‌های جغرافیایی، ساختارهای اجتماعی، نظامات فکری، بافت فرهنگی و عقیدتی و ...، نیروهای مرئی و نامرئی قدرتمندی در لایه‌های جامعه شکل گرفته که منشأ تحول و تداوم جامعه هستند. بسیاری از روندها و رخدادهایی که در جامعه پدید می‌آیند متأثر از این نیروها می‌باشد. موضوعی که محققین تاریخی و اجتماعی متعددی بدان تصریح دارند (احمدی، ۱۳۸۳: ۴۰-۴۱). این که در هر جامعه‌ای چه عناصر و نیروهایی، به صورت پیدا و پنهان، با چه کیفیتی عامل تداوم و تحول در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، فکری و ... بوده‌اند یا اینکه ریشه و روند بسیاری از مسائل و مناسبات جامعه از کجا نشات می‌گیرد موضوع بسیار مهمی است. نیروهای تداوم‌بخش، امروزه نیز فعالانه عمل می‌نمایند. بدین خاطر است که گفته می‌شود «تاریخ، صرفاً حدیث دیروز نیست سخن دوام و استمرار و حتی حدیث فردا است».

دستیابی به این شناخت، به مقدار زیادی با رجوع به تاریخ و استفاده از نظر محققین این حوزه حاصل می‌شود. نهادهای اطلاعاتی چنانچه بر این مهم تمرکز کرده و ویژگی‌های خُرد و کلان و ساختاری جوامع را شناسایی نمایند توانمندی قابل توجهی در ارتباط با مسائل و مناسبات جامعه و نحوه عمل در رابطه با آن پیدا خواهند کرد.

در ادامه این مبحث باید اضافه نمود که بررسی قاعده‌مند و درک سیر تطور جوامع در یک گستره زمانی طولانی- زمان بلند تاریخی-، سبب می‌شود ارزیابی وضعیت جاری و معاصر

روشن تر شود (استفن، ۱۳۷۹: ۵، ۳۹، ۴۱، ۶۱). با مطالعه عمیق و دقیق تاریخ، دستیابی به قاعده و الگوی تحولات در جوامع گذشته، به مقدار قابل توجهی حاصل می‌گردد (هالت کار، ۱۳۵۳: ۱۶). دستیابی به این مهم، کار حرفه‌ای بسیار سخت و دشواری است که به جای انکار، باید بر استخراج و استفاده از آن اهتمام ورزید. چنانچه منطق حاکم بر تحولات شناسایی گردد نقش بسیار زیادی در درک اوضاع معاصر همچین توان بالایی در تاثیرگذاری بر روند امور خواهد داشت.

تحولات سریع و شتابان عصر حاضر در حوزه‌های اجتماعی، ارتباطی و فنی با گزاره‌های متنوع و متغیرهای پیچیده، نباید بشر امروز را فریب دهد که شناخت گذشته و ارتباط با آن را در پیشبرد مسائل دنیای امروز بی‌تاثیر بداند در نتیجه خود را از آگاهی و شناخت تاریخی بی‌نیاز فرض نماید زیرا وقایع تاریخی نه در خلاء به وقوع می‌پیوندند و نه اسرار آمیزند بلکه مرتبط با بسترهای جامعه بوده (آلتون، ۱۳۸۶: ۵۸) و قانون منطقی و طبیعی بر آنها مترتب است.

دنیای امروز نیز با تمام مشخصاتش با گذشته دور و نزدیک مرتبط است (محسنی، ۱۳۶۸: ۳۰۱) و نتیجه طبیعی کنش و واکنش‌ها، تداوم روندها، سیر هدفمند و زنجیره منطقی تحولات و تغییرات زندگی انسان‌ها است که براساس منطقی مشخص، رخ داده و استمرار یافته است (استنفورد، ۱۳۸۰: ۳۲۱). با عنایت به ویژگی شناختی تاریخ، مباحث آن، در روشن ساختن «حال مبهم» و حتی «آینده ناپیدا» نقش برجسته‌ای دارد. به گفته ولر، از نقاط قوت تاریخ این است که امکان استفاده از الگوها و مضامین گذشته برای تفسیر رفتار انسان معاصر را فراهم می‌آورد (تونی، ۱۳۸۷: ۲۹). لذا هر تحلیل‌گر اطلاعاتی بدون درک رویدادها و سیر دگردیسی جوامع، قادر به درک صحیح وضع فعلی آن جامعه و مسائل آن نخواهد بود.

۳-۶) کشف و شناسایی نقاط ضعف و قوت جوامع: از دیگر فواید مهم تاریخ در رابطه با نهادها و نیروهای اطلاعاتی این است که با ارزیابی تحولات یک جامعه و تمرکز بر جزئیات آن، شناخت نقاط ضعف و قوت آن جامعه به مقدار زیادی میسر می‌گردد. این امر، توانایی فراوانی به دستگاه‌های اطلاعاتی جهت پرداختن صحیح به مشکلات و چالش‌های جامعه می‌بخشد. این موضوع به هیچ‌وجه بلندنظرانه و ادعایی دوردست نیست که مدعی شد در چنین وضعیتی نیروها و نهادهای اطلاعاتی با اشراف و تسلط بر نقاط ضعف و قوت جامعه و شناخت مسائل خرد و کلان آن، قادر به تغییر و یا اصلاح برخی روندها و رویکردهای ناصحیح جامعه باشند (رحمانیان، ۱۳۸۳: ۱۷۱).

علاوه بر این، نسبت به سایر جوامع و ملل نیز این مهم، امکان بسیار خوبی فراهم می‌آورد. شناسایی آسیب‌ها و قوت‌های جوامع دیگر، که بخش زیادی از آن با بررسی‌های تاریخی حاصل می‌گردد، عناصر اطلاعاتی را قادر می‌سازد پیرامون نحوه رفتار و رابطه با آنها، سیاست‌ها و برنامه‌های دقیق‌تری اتخاذ گردد. در این رابطه گفته می‌شود.

بنابراین در این جنبه نیز ویژگی‌های شناختی تاریخ، در توانمندسازی نیروهای اطلاعاتی و قدرت بخشی به آنان، تاثیر فراوانی دارد. این امر، موضوع بسیار مهمی است که به نظر می‌آید نهادهای اطلاعاتی لازم است توجه ویژه‌ای به آن نمایند.

۳-۷) تاریخ و آینده‌پژوهی: در بحث‌های آینده‌پژوهی که کاری بسیار غامض و پیچیده است، آشنایی با تاریخ تحولات یک جامعه و روندهای حاکم بر آن، در پیوند با سایر مولفه‌های تاثیرگذار، تاریخ می‌تواند در توان بخشی جهت آینده‌پژوهی، کمک شایان توجهی به دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی بنماید. جمله معروف در این رابطه وجود دارد «بدانیم آنان که بر تاریخ- گذشته - حکم می‌رانند فرمانروایان اکنون و آینده‌اند (رحمانیان، ۱۳۸۶: ۱۳۱۹)».

۳-۸) ارتباط تاریخ با بحران و مدیریت آن: مورد دیگر، در تمامی جوامع، وقوع بحران‌های مختلف در هر شکل و اندازه‌ای، همیشه وجود داشته و پرداختن بدان اهمیت و پیچیدگی بسیار بالایی دارد (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۴-۱۶). متخصصین اطلاعاتی چنانچه با روند شکل‌گیری و پیدایی بحران‌های مختلف در طول تاریخ یک جامعه آشنایی حاصل نمایند دو تاثیر اساسی دارد؛ یکی آشنایی با تمامی بحران‌ها و ابعاد آن؛ علل، عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری آنها، داده‌ها و اطلاعات بسیار مفیدی از «کیفیت چگونگی پیدایی و گسترش بحران‌ها» در اختیار نهادهای اطلاعاتی می‌گذارد. دوم، مقوله مهم «مدیریت بحران» است که چنانچه آشنایی کاملی از مشخصات بحران‌ها حاصل شود قدرت زیادی به نیروهای امنیتی در مهار و مدیریت بحران می‌بخشد. نداشتن شناخت و اطلاعات کافی در نحوه مواجهه صحیح با بحران‌های یک کشور، احتمال انجام اقدامات ناصوابی را افزایش می‌دهد که نه تنها تاثیری در مهار بحران ندارد بلکه ممکن است چالش‌های فراوانی دیگری را نیز پدید آورد. شناخت تجارب و اطلاعات تاریخی مربوط به بحران‌ها، کمک فراوانی به این موضوع می‌نماید.

به طور مثال، در بیشتر جوامع، وجود اقوام، فرق و مذاهب مختلف، معمولاً یکی از اصلی‌ترین مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جوامع بوده که نحوه رفتار و تعامل حکومت‌ها با آنها بعضاً مسئله‌ساز و بحرانی شده و جنبه امنیتی پیدا می‌کند. بدون شک، آشنایی با تاریخ تحولات آن جامعه و وضعیت اقوام، یکی از بهترین مولفه‌هایی خواهد بود که نقش و تاثیر اساسی در نحوه تدبیر صحیح این موضوع و جلوگیری از بروز بحران و تنش‌ها خواهد داشت (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۳۳-۱۶۷). نهادهای اطلاعاتی پیرامون این موضوع نقش مستقیم و موثری می‌توانند ایفاء نمایند. از دیگر تجارب تاریخی که فهم آن به خصوص برای دستگاه‌های اطلاعاتی مهم است اینکه یک جامعه چنانچه در معرض انواع اختلال‌ها و نابسامانی‌ها قرار گیرد و به دلائل اقتصادی و معیشتی، سیاسی و فرهنگی و ... از حالت ثبات و تعادل خارج گردید مردم و مسئولان آن به شدت آسیب پذیر شده و مستعد بروز هرگونه اشفتگی سیاسی، فساد عقیدتی و انحرافات فرهنگی، آسیب‌های اجتماعی و ... می‌شوند. نمونه‌های فراوانی در تاریخ موبد این موضوع است. نهادهای اطلاعاتی با شناخت و آشنایی از این تجربه تاریخی می‌توانند از وقوع آن پیشگیری کرده، آثار و آسیب‌های آن مدیریت نموده و در صورت احتمال رخداد آن پیش‌آمد، حساسه‌ها، هشدارها و تذکرات لازم را ارائه دهند.

۳-۹) تاریخ و روابط خارجی: از حوزه‌های بسیار مهم در برنامه‌ریزی و سیاست‌های کلان کشورها مربوط به روابط با سایر دول و ملل می‌باشد. تاریخ، پیرامون روابط و مناسبات خارجی کشورها، اطلاعات و داده‌های ارزشمندی در اختیار دارد که آشنایی با آن و اطلاع از تحولات ریز و درشت آن، برای نهادهای اطلاعاتی بسیار مفید خواهد بود (میرمحمدی، ۱۳۹۲). متخصص اطلاعاتی با توجه به شناختی که از تاریخ بومی و ملی کشور دارد و با اطلاع از تاریخ روابط خارجی و مناسبات با دولت‌های مختلف، متوجه اهمیت این موضوع هستند که میزان و نحوه برقراری رابطه با کشورهای مختلف به چه طریقی باشد و از این‌که روابطی نامتوازن با دیگر کشورهای شکل گیرد مواظبت نمایند. در عصر حاضر، دستیابی به بسیاری از بایدها و نبایدها و چگونگی اقدام و عمل در حوزه سیاست و مناسبات خارجی، با مطالعه دقیق تاریخ روابط خارجی حاصل می‌گردد.

دستگاه‌های اطلاعاتی با شناخت از مناسبات خارجی در سطح حرفه‌ای و هوشیارانه، در موارد تخطی از این مسئله، مدیران و نهادهای اطلاعاتی، متناسب با وظایف و مأموریت‌شان می‌توانند هشدارها و تذکرات لازم را ارائه دهند (همان: ۳۴۲).

علاوه‌براین، بدون استثناء، هر کشوری از فرصت‌ها و امکاناتی برخوردار و چالش‌ها و تهدیداتی دارد. در این رابطه مولفه‌ها و عناصر نیز در سمت و سو بخشی به سیما و ساخت روابط تاثیر گذارند. شناخت این موارد و اطلاع از زوایا و ابعاد آن، کمک فراوانی به اتخاذ سیاست صحیحی خواهد داشت. دوره‌های مختلف تاریخی سرشار از نمونه‌های اجرای این قاعده با تمامی مولفه‌های آن می‌باشد.

جهت تبیین روشن‌تر موضوع، به گوشه‌ای از تاریخ روابط خارجی ایران، اشاره می‌شود. جامعه ایرانی به دلیل موقعیت جغرافیایی و ارتباطی و موارد متعدد دیگر، همواره در معرض ارتباط مستقیم با تحولات سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است (احمدی، همان: ۴۱-۴۲). این امر، وضعیت درونی کشور را به شدت متأثر ساخته است. بدین خاطر، اوضاع داخلی ایران، به هیچ وجه به مرزهای سرزمینی کشور محدود نبوده است بلکه تحولات درونی و داخلی کشور از دوران باستان تا عصر حاضر - با شدت و ضعف، در پیوند با تحولات فرامرزی قرار داشته است. بخش قابل توجهی از رخداد‌های مهمی که در رابطه با تاریخ ایران به وقوع پیوسته ناشی از اقدامات عنصر خارجی می‌باشد. به‌طور مثال، سقوط بیشتر دولت‌های ایرانی در طول تاریخ، ناشی از نقش آفرینی مستقیم یا غیرمستقیم عناصر خارجی بوده است و موارد متعدد دیگری که نشان می‌دهد که جامعه ایرانی به شکل گسترده‌ای متأثر از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی است.

براین اساس، مشارکت حکیمانه و فعال، نه انزواگرایانه، در عرصه مسائل منطقه‌ای و مناسبات بین‌المللی، جهت تامین امنیت پایدار و تحقق منافع حداکثری، امری ضروری است. اجتناب از این امر، ضمن آن که میسر نبوده، مهمتر از آن، عواقب منفی در حوزه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی بین‌الملل به بار خواهد آورد. موارد گوناگونی در تحولات گذشته وجود دارد که کیفیت این موضوع را به روشنی نشان می‌دهد.

چنانچه نهادهای اطلاعاتی با استفاده از داده‌های متقن و معتبر تاریخی، شناخت مطلوبی از کیفیت این مسئله حاصل نمایند می‌توانند تاثیر مثبتی بر تصمیم‌سازی‌ها و سیاستگذاری‌ها در حوزه روابط خارجی داشته باشند.^۱

۱۰-۳) پرهیز از ملاحظه‌کاری و اعمال سلیقه: از دیگر تجارب ارزشمند تاریخی که در ارتباط با عملکرد دستگاه‌های اطلاعاتی قرار دارد این است که نهادها و نیروهای مزبور باید متوجه این مسئله باشند که با وجود زمینه‌وند بودن اطلاعات، اسیر سیاست‌زدگی نشوند. باید تلاش نمایند از گرفتار شدن در این مسئله مواظبت به عمل آورده و آن را به حداقل رسانند. این مسئله مهم است که عنصر اطلاعاتی متوجه این مهم باشد که اجرای وظایف حرفه‌ای و تخصیصی‌اش، تحت الشعاع اعمال ملاحظات بی‌مورد جناحی و جریانی قرار نگیرد. در واقع شکوفایی و تاثیرگذاری ظرفیت‌های اطلاعاتی منوط به این است که به رسالت اصلی خود مبادرت ورزد. تجارب متعدد تاریخی آثار مثبت این موضوع همچنین تبعات منفی ملاحظه‌کاری‌ها و اعمال سلائق را نشان می‌دهد.

وجود ارتباط متقابل و تعامل میان مورخ و متخصص اطلاعاتی امری لازم و پرفایده است (برومند، ۱۳۹۳: ۲). چنانچه یک مورخ با اطلاع از اصول و مبانی امر اطلاعات، براساس تخصص و داشته‌های تاریخی‌اش به حوزه شناختی اطلاعات ورود نماید مباحث کاربردی و مفیدی برای ارائه خواهد داشت. علاوه براین، تحقیقات‌شان نیز با سازمان و انسجام دقیق‌تری انجام می‌پذیرد. در مقابل، متخصصین اطلاعاتی نیز لازم است از رویدادهای تاریخی کسب اطلاعات کرده و راجع به آن کنجکاوی افزون‌تری نشان‌دهند (کلارک، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۶-۶۸-۱۹۳) با رجوع به متون تاریخی، اطلاعات و داده‌های پرکاربرد و مفیدی را به دست خواهند آورد. استفاده نیروها و مدیران اطلاعاتی از آگاهی‌های تاریخی، توان بسیار زیادی به تحلیل‌گر و ارزیاب اطلاعاتی می‌بخشد. بیگانه بودن متخصصین اطلاعاتی با تحولات گذشته و نتیجه عدم وجود ارتباط منطقی میان این دو، محروم شدن از دستاوردهای شگف‌انگیزی است که به نظر نمی‌آید سایر مناسبات و مولفه‌ها بتوانند آن را جبران نمایند.

۱. لازم به ذکر است همکاری مشترک میان تاریخ و نهادهای اطلاعات، امری فنی و تخصصی است و نباید این گونه ساده انگاری شود که با مطالعه یک اثر تاریخی یا رجوع به یک مورخ، اهداف حاصل می‌گردد بلکه هماگونه که در پیشنهادات آمده است این موارد به تیم‌های تخصصی متشکل از متخصصین مختلف تاریخی نظیر مورخ، سندشناس، نسب‌شناس و ... نیازمند است تا در کنار متخصصین حوزه سیاسی، فرهنگی، جامعه‌شناسی و... اطلاعات معتبر و قابل‌اتکایی استخراج گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

سازمان‌های اطلاعاتی از قدیمی‌ترین نهادها در حیات جوامع بشر محسوب می‌شوند که وجود آنها از نیازی مستمر و حیاتی نشأت می‌گیرد. در عصر حاضر با تحولات شگرفی که در حوزه‌های ارتباطی و اطلاعاتی به وقوع پیوسته بر اهمیت و کارایی این نهادها افزوده شده و ایجاد نسل جدید دستگاه‌های اطلاعاتی با کارکردهای نوین را ایجاب می‌نماید. متناسب با مشخصات عصر مزبور، توسعه نقش شناختی نهادهای اطلاعاتی و تمرکز بر آن، امری بسیار حیاتی است. هرگونه ضعف و تعلل، آسیب‌ها و عقب‌ماندگی‌های جبران‌ناپذیری به همراه خواهد آورد. لذا دستیابی به نیازهای شناختی از مسائل اصلی در سازمان‌های اطلاعاتی است که در صورت تحقق، توسعه قدرت و توانمندی بیشتر آنان را به دنبال دارد.

تاریخ از جمله دانش‌هایی است که با توجه به انبوه داده‌های متنوعی که در آن وجود دارد امکان تولید اطلاعات موثر و مفید را فراهم می‌آورد. سابقه طولانی جوامع انسانی در حوزه‌های مختلف، این امکان را میسر می‌سازد که با رجوع هدفمند و مستمر به آن، با رویکردی علمی و اطلاعاتی، بتوان وضعیت امروز و حتی آینده را بهتر شناخت و در سیر تحولات آن، نقش آفرین واقع شد. بدون تردید، حاصل همکاری مشترک و ارتباط تنگاتنگ تیم‌های حرفه‌ای متشکل از متخصصین تاریخی و کارشناسان خبره اطلاعاتی، می‌تواند به مهار، مدیریت و حتی پیش‌بینی بسیاری از رخدادهای مخرب در جامعه بینجامد.

بر مبنای نگاهی موسع، چنانچه مورخین و متخصصین اطلاعاتی با درک نیازمندی یکدیگر، همکاری تنگاتنگی را شروع نمایند بدون تردید، بهره فراوانی خواهد داشت و به رشد و کمال آنان خواهد انجامید. نهادها و نیروهای اطلاعاتی اطمینان داشته باشند با رجوع به متون و منابع تاریخی و استفاده هدفمند از نظرات خبرگان تاریخ، داده‌ها و اطلاعاتی به دست خواهند آورد که تاثیر عمیق و مستقیمی بر کیفیت وظایف و مأموریت‌هایشان خواهد داشت. به عبارت دیگر، به میزان افزایش سهم بررسی‌های تاریخی در فرآیندهای اطلاعاتی به خصوص نقش شناختی آن، نهادهای اطلاعاتی در حوزه عمل و نظر از توان کیفی‌تر و برتری اطلاعاتی برخوردار خواهند شد.

- در پایان این نوشتار، متناسب با نقش شناختی نهادهای اطلاعاتی و نقش تاریخ در رابطه با آن، پیشنهاداتی ذکر می‌شود:
- تربیت محققان تخصصی در حوزه تاریخنگاری در دانشکده‌های اطلاعاتی متناسب با اهداف و مأموریت نهادهای اطلاعاتی.
 - تقویت رویکردهای میان‌رشته‌ای (مرکب از رشته تخصصی تاریخ با حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و ... با رویکرد امنیتی و اطلاعاتی).
 - طراحی و ارائه پروژه‌های تخصصی تاریخی و انجام توسط مورخان خُبره (براساس نیازمندی‌های شناختی رده‌های مختلف اطلاعاتی).
 - ارتباط موثر و همکاری مستمر با گروه‌های آموزشی تاریخی در دانشگاه‌های معتبر کشور، با هدف هدفمندسازی بررسی‌های تاریخی در جهت نیازهای نهادهای مزبور.
 - رجوع به تاریخ‌نگاران و استفاده از توان علمی و تخصصی مورخان حاذق دانشگاهی در موضوعات مشخص اطلاعاتی و امنیتی.
 - تشکیل تیم‌های تخصصی متشکل از مورخان، متخصصان سایر حوزه‌ها و کارشناسان اطلاعاتی در جهت پیشبرد اهداف.
 - راه‌اندازی واحدهای «مشاوره تخصصی تاریخی» در رده‌های نهادهای اطلاعاتی.

فهرست منابع

- ابراهیمی فر، ظاهره (۱۳۸۱) **الگوهای اعتمادسازی در منطقه‌ی خلیج فارس**، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ازغندی، علیرضا، (۱۳۸۸)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: قومس، چاپ پنجم.
- برزگر، ابراهیم، محمداقبر خرمشاد، عباسعلی رهبر، عبدالرضا عالیشاهی (۱۴۰۰) ریشه‌ها و پیامدهای امنیتی نفوذ رژیم صهیونیستی در خلیج فارس با تأکید بر نقش محوری محمد بن‌سلمان، **نشریه آفاق امنیت**، دوره ۱۴، شماره پیاپی ۵۲، فصلنامه پاییز، آذر.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، **مردم، دولت‌ها و هراس**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری و ویور، الی (۱۳۸۶)، **مناطق و قدرت‌ها**، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- بوزان، باری و همکاران (۱۳۸۶) **چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- بیلیس، جان (۱۳۷۹) **امنیت بین‌الملل در عصر پس از جنگ سرد**، ترجمه‌ی حسین مجدی نجم، تهران، سپاه پاسداران، دوره‌ی عالی جنگ.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد، «هلال شیعی، فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا»، **دانش سیاسی**، سال پنجم، ش اول، بهار و تابستان، ۱۳۸۸.
- حافظ نیا، محمدرضا و بهرام فرجی (۱۳۹۳) تأثیر ژئوپلیتیک انرژی بر شکل‌گیری ترتیبات امنیت منطقه‌ای؛ مطالعه موردی منطقه خلیج فارس از ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰، **نشریه آفاق امنیت**، دوره ۷، شماره ۲۴، آذرماه.
- صفوی، سیدیحیی، محمد رضا حافظ نیا، محمد حسین افشردی، برات فرجی (۱۳۹۱)، **امنیت پایدار در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس در پرتو ناپایداری نیروی‌های همگرا و واگراساز**، **نشریه آفاق امنیت**، دوره ۵، شماره ۱۷، آذر ماه.
- فومنی‌حائری، مصطفی، (۱۳۸۳) «امنیت در خلیج فارس و تأثیر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن»، **مجموعه مقالات پانزدهمین سمینار خلیج فارس**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، جلد اول.
- قاسمی، حاکم و لیلا سرابی (۱۳۹۳) **ترتیبات امنیتی مطلوب خلیج فارس از منظر جمهوری اسلامی ایران**، **فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس**، دوره ۱، شماره ۱.

- قاسمی، فرهاد، (۱۳۸۶) «نگرش تئوریک برطراحی مدل بازدارندگی سیاست خارجی ایران»، فصلنامه ژئوپولیتیک، شماره ۱.
- قاسمی، فرهاد، (۱۳۹۱)، بنیان های نظری موازنه قوای هوشمند در شبکه فاقد معیار، فصلنامه ژئوپولیتیک، دوره ۸، شماره ۱.
- قاسمی، فرهاد، (۱۳۹۸)، گامی به سوی نظریه نوین ژئوپولیتیک شبکه ای و بازتولید قدرت در سیاست بین الملل، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۱، شماره ۳.
- کبریایی زاده، حسین(۱۳۹۸) تقابل ایران با ائتلاف دریایی امریکا در خلیج فارس، موسسه ابرار معاصر تهران، <https://tisri.org/ar/?id=i1zu3lhe>
- قاسمی، فرهاد، فرجی، محمد رضا، (۱۳۹۷)، نظریه پیچیدگی و سیاست خارجی: راهبردهای ایران در غرب آسیا، پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، سال ۷، شماره ۱.
- محمدی مقدم، یوسف، ساعدی، عبدالله، آهنگ، فرحناز، (۱۴۰۱)، واکاوی پیامدهای شبکه سازی سیاسی در نظام سیاست گذاری (مورد مطالعه: سازمان های دولتی استان لرستان)، فصلنامه چشم انداز مدیریت دولتی سال ۱۳، شماره ۵۹.
- مظاهری، محمدمهدی (۱۳۹۸) نقش و جایگاه ایران در سیستم امنیتی خلیج فارس، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال ۹، شماره ۱، بهار.
- موسوی، سیدحسین، (۱۳۸۶)، «الگوی امنیت منطقه ای در خلیج فارس، تجربه ها و موانع»، مطالعات راهبردی، سال ۱۰ شماره ۴.
- هرمزی، جعفر(۱۳۹۵) مجموعه امنیتی «بری بوزان» مدل استاندارد برای مطالعه خلیج فارس است، ۲۵ دیماه، خیرگزاری مهر، <https://www.mehrnews.com/news/3877067>
- یاری، احسان، عابدی، مرضیه، (۱۴۰۰)، گره استراتژیک چیندر شبکه منطقه ای جمهوری اسلامی ایران؛ امکان سنجی فرصت ها و چالش ها، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳، شماره ۱.
- Barzegar,kayhan (2010). **Balance of power in the Persian Gulf: An Iranian view**, Middle East Policy ,vol.17.No.3.
- Buzan, Barry (1991), **People, State and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era**, London, Harvester Wheatsheaf Publication.
- Claude, Inis.L, (1962), **Power and international relations**, New York: Random House
- Features and Obstacles, Presented at: Asian Identities: Trends in Globalized World Conference, **Faculty of Social Sciences**, Srinakharinwirot University.
- Florea, Dumitrița, Gales, Narcisa, (2020), **Affirming the Principle of Good Neighborliness in International Relations**, Volume 8, Issue 2, pages: 01-10 | doi: 10.18662/lumenlaw/8.2/40
- Ghasemi, Hakem (2011). **Integration in Persian Gulf: Iranian Perspective**,

- Goldie, L. F.E. , (1972), **Development of International Environmental Law- an Appraisal**, in: J.L. Hargrove ed., *Law, Institutions and the Global Environmental*, Leiden.
- Gupta, M. (2010) **Indian Ocean Region: Maritime Regimes for Regional Cooperation**, London: Springer.
- Markowitz, Jonathan N, jonathnm, Christopher J Fariss, (2017), **Power, proximity, and democracy: Geopolitical competition in the international system**, *Journal of Peace Research* Volume 55, Issue1.
- Mikołajczyk , Adriana Kalicka-, (2019), **Decem The Good Neighbourliness Principle in Relations Between the European Union and its Eastern European Neighbours**, *Adam Mickiewicz University Law Review*.
- Schweller, Randall L., (2016), **The Balance of Power in World Politics**free, Published online: <https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190228637.013.119>

